

بررسی ابعاد پایداری فرهنگی و تدوین چارچوب مفهومی آن؛

مروری بر برنامه‌ی جامع فرهنگی شهر تهران

Investigating the Dimensions of Cultural Sustainability and Compiling Conceptual Framework;

A Review of Tehran's Comprehensive Cultural Plan

رضا فرح بخش دقیق^۱، مریم محمدی^۲

چکیده

اخیراً مفهوم پایداری فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم رویکرد توسعه‌ی پایدار شهری مورد توجه قرار گرفته است. ضرورت توجه به موضوع فرهنگ در توسعه‌ی پایدار، برنامه‌ریزی و ابعاد توسعه محلی به دلایل متعددی از جمله ضرورت ارزیابی فرهنگی، حفاظت از فرهنگ بومی و تحقق تنوع فرهنگی مورد تاکید است. پیش از این عرصه‌ی فرهنگ اغلب بسیار محدود تعریف می‌شد و بنابراین در ارتباط نامناسبی با بحث گسترده‌ی توسعه قرار می‌گرفت. هدف این مقاله بررسی مقوله‌ی پایداری فرهنگی، به‌عنوان یکی از ابعاد رویکرد پایداری است. از این رو، بررسی جایگاه آن در قالب چارچوب‌های پایداری و تاثیر آن بر سایر ابعاد این رویکرد، مدخل مناسبی برای این تحلیل است. در ادامه برای روشن‌تر شدن بحث، بررسی ابعاد، سنجش‌ها و ویژگی‌های این بعد از پایداری مورد تعمق قرار می‌گیرد تا بدین واسطه، اهمیت و ضرورت توجه به پایداری فرهنگی در برنامه‌ریزی با محوریت توسعه‌ی پایدار شهری تبیین شود. روش پژوهش حاضر برای تحقق هدف پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای مطالب است. در انتها برنامه‌ی جامع فرهنگی شهر تهران با رویکردی کیفی-استنتاجی بررسی می‌شود تا ابعاد این رویکرد در آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد علی‌رغم آنکه بر ابعاد سه‌گانه‌ی فرهنگ در اسناد کلان توجه شده، اما بیشتر تاکیدات بر ارزش‌ها بوده و توجه کمتری بر هنر و میراث فرهنگی شده است. در عین حال بررسی برنامه‌ی جامع فرهنگی تهران نشان داد که توجه کمتری به شاخص‌هایی مانند خلاقیت، مشارکت بین مردم و مسئولین، دموکراسی فرهنگی و گردشگری فرهنگی شده است. این درحالی است که توجه به تمامی ابعاد موضوع فرهنگ و بهره‌گیری از رویکرد کلان توسعه‌ی پایدار بر شکل‌گیری منظر فرهنگی پایدار و متمایز شهر تهران ضروری است.

کلید واژگان: فرهنگ، پایداری فرهنگی، ابعاد، برنامه‌ی جامع فرهنگی تهران، توسعه‌ی پایدار شهری.

^۱ کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)، پست الکترونیک:

farahbakhsh.reza@gmail.com

^۲ دانشیار گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. پست الکترونیک: m.mohammadi@art.ac.ir

۱- مقدمه

در جوامع کنونی تأثیراتی که روندهای کنونی بر شهرها داشته‌اند، شهرها و منظر آنها را دچار دگرگونی کرده است. یکی از مهم‌ترین روندهایی که شهرها با آن درگیر و از آن تأثیر می‌پذیرند، روند جهانی شدن است. از تأثیراتی منفی که این روند می‌تواند بر شهرها داشته باشد، یکسانی و هم‌شکلی در شهرها بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی آنها است. بنابراین تکیه بر رویکرد پایداری فرهنگی به-عنوان راه‌حلی برای مقابله با این موضوع می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بنابراین برای بیان اهمیت توجه به مقوله فرهنگ به‌عنوان یک عامل هویت‌دهنده، در ابتدا لازم است به‌منظور تبیین مفهوم فرهنگ و رابطه‌ی آن با محیط و شهر، نقلی از راپاپورت آورده شود. این امر نشان می‌دهد فرهنگ مقوله‌ی بسیارمهم و غیر قابل حذف از مباحث مربوط به شهر و وجوه آن است. به‌عبارتی فرهنگ عاملی است که نه تنها انسان و محیط را به هم پیوند می‌دهد، بلکه نحوه و چگونگی عمل و دخالت در محیط و ادراک آن را نیز تعیین می‌کند (دانشپور، ۱۳۷۹).

راپاپورت در مطالعات خود در زمینه‌ی تعامل انسان و محیط بر نقش فرهنگ متمرکز شده است. در بین تعریف و توصیفات عیدیه‌ای که وی در تعریف فرهنگ به آنها اشاره می‌کند، برخی از خصوصیات و ویژگی‌ها می‌توانند در مطالعات و مفاهیم محیط مصنوع انعکاس یابند. به‌عقیده راپاپورت فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی در طرح‌های اولیه‌ی ذهنی^۱ مردم که از وسائل ادراکی و شناختی ذهن بشر بوده و مسئول تولید تصاویر ذهنی^۲ و مفاهیم^۳ مربوط به اشیا و روابط و مناسبات آنها، جای می‌گیرد (Rappaport, 1980). با این توضیحات آنچه باید به‌منظور تکمیل این مطلب آورده شود، تعریفی از فرهنگ و ارائه مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ است. در اینجا ابتدایی‌ترین تعریفی که از فرهنگ بیان شده است، آورده می‌شود. این تعریف، همان است که انسان‌شناس انگلیسی قرن نوزدهمی به نام ادوارد بارنت تایلور در نخستین بند کتاب فرهنگ ابتدایی در ۱۸۷۱ کرده است: «... فرهنگ، کلیت درهم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، و هرگونه توانایی و عادت که آدمی همچون هموندی از جامعه به‌دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۸۱)». ایرانیان نیز دست‌یابی انسان به برتری‌هایی در جهان معنوی از راه بهره‌وری از توشه‌ی اندوخته‌ها و آموخته‌هایش را به‌مثابه پدیده‌ای دانسته‌اند، هم‌زاد با انسان و فعال در طول زندگی فردی و اجتماعی وی در نامیدن این پدیده، واژه‌ی فرهنگ را ساخته‌اند (فلامکی، ۱۳۸۵، ۱۶۲). از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ قائل بودن آن به زمان و مکان است. زمان به‌عنوان هرچه در پیشینه‌ی و تاریخ یک جامعه به‌عنوان تجارب و اندوخته‌های به‌جا مانده است و مکان به‌عنوان ویژگی منحصر به‌فرد محلی در بستر پیدایش فرهنگ. مهم‌ترین کارکرد فرهنگ با این توضیحات، کارکرد آن به‌عنوان عامل تعامل انسان و محیط است. اگرچه فرهنگ عامل تعامل و ارتباط انسان با محیط و جهان خارج است، ولی فرهنگ یک هستی پویا و موجودی زنده است که مبادلات، بقای آن را موجب شده و امکان رشد و گسترش و یافتن تجربه‌های تازه به آن می‌دهد. تجربه‌هایی که از طریق ارتباطات امکان‌پذیر می‌شود. فرهنگ به حکم اینکه یک فراگرد زنده است، دائم در حال پاره‌افزایی است. یعنی لایه‌های تازه‌ای را روی لایه‌های قبل شکل می‌دهد و خودش را متنوع می‌کند. ارتباطات عاملی است که فرهنگ از طریق آن خود را گسترش می‌دهد. اما آنچه باعث مرگ یک فرهنگ می‌شود، انقطاعی است که با محیط پیدا می‌کند؛ مثل درختی که ریشه‌هایش را قطع می‌کند. قدرت بالندگی فرهنگ نیز ناشی از مبادله‌ی آن است (اسدی، ۱۳۶۹). به‌عبارتی فرهنگ مفهومی پویا است و در ارتباط با سایر فرهنگ است که هم خود را متمایز می‌کند و هم در روند مبادلات فرهنگی در قالب پدیده‌ایی پویا قرار می‌گیرد. با درنظرگرفتن این ویژگی فرهنگ، ذکر یک موضوع پیش از ورود به بحث پایداری فرهنگی ضروری است، و آن در نظر گرفتن مفهوم اصالت فرهنگی در مقابل پویایی است. تعریف و اهداف پایداری فرهنگی نشان از این موضوع دارد که پویایی فرهنگی به‌عنوان محور کلیدی مورد توجه در این مفهوم است.

۲- روش پژوهش

در پاسخ به چستی یک پدیده، استفاده از روش‌های مختلفی امکان‌پذیر است که از آن جمله می‌توان به «بررسی کرونولوژیک» که در ارتباط با تحولات مفهومی تعاریف در طی زمان است و نیز روش «تحلیل محتوا» و «بررسی دیدگاه» اشاره نمود (گلکار، ۱۳۷۸، ۳). روش جمع‌آوری داده‌ها، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و مرور منابع معتبر بوده است. در ادامه با بهره‌گیری از روش بررسی دیدگاه و محتوا، مفهوم پایداری فرهنگی تبیین و مدل مفهومی با رویکرد استنتاجی تدوین شده است. بررسی برنامه فرهنگی شهر تهران نیز با روش تحلیل محتوای کیفی سند انجام شده است.



۳- مبانی نظری

۳-۱- توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی پایدار شهری

توسعه‌ی جمعیت، تغییر در نگرش به زندگی، طبیعت و الگوی مصرف به طروق مختلف به استفاده‌ی نامناسب از منابع و تنزل محیطی منجر شده است. در پاسخ به چنین تغییری و با تمرکز بر آینده‌ی زندگی در این سیاره، انجمن جهانی توسعه‌ی محیط^۴ ایده‌ی توسعه پایدار را مطرح کرده است (Adams, 2006, 1-2). یکی از مهمترین تعریف‌ها راجع به این مفهوم در گزارش برونتلند (Bruntland, 1987) آمده است. این گزارش بیان می‌کند که جهان باید نیازهای مردم را بدون استفاده از توانایی نسل‌های آتی برای دستیابی به نیازهایشان تامین نماید (Alberston, 2004, 1). پس از بیان تعریفی از مفهوم توسعه پایدار بیان شد، در اینجا مفهوم توسعه‌ی پایدار شهری تبیین می‌شود و شاخص‌های توسعه‌ی پایدار شهری ارائه می‌شود. در ابتدا لازم است تفاوت میان دو مفهوم پایداری شهری و توسعه پایدار شهری بیان گردد. برای تمایز این دو باید توجه داشت که کلمه توسعه در مفهوم دوم، در واقع نشان‌گر «فرآیندی» است که در طی آن پایداری می‌تواند محقق شود، اما پایداری مجموعه‌ای از وضعیت‌ها است که در طول زمان دوام دارد (McLaren, 1996). با این تفسیر با در نظر گرفتن توان و ظرفیت محدود بستر بوم شناختی شهرها، توسعه پایدار شهری با توجه به ویژگی‌های محلی و محیطی در قالب توسعه پایدار و با رعایت اصول اساسی آن، امکان‌پذیر خواهد بود. کارشناسان یک مؤسسه بین‌المللی محیط زیست شهری در اروپا نیز بر همین اعتقاد هستند و بر این نکته تأکید می‌کنند که برای هر شهر باید یک چارچوب مرجع برای توسعه پایدار آن و بر اساس خصوصیات زیست‌محیطی، منطقه‌ای و اقتصادی و اجتماعی آن تنظیم شود. این مؤسسه از سال ۱۹۹۴ شروع به تهیه شاخص‌های توسعه‌ی پایداری شهری برای آژانس محیط‌زیست اروپا کرده است. این شاخص‌ها در سه بُعد اصلی مطرح می‌شوند:

- جریان‌ات منابع (مواد خام، کالاهای، غذا، انرژی، آب) و آلودگی‌های مربوط به آنها؛
- الگوهای کاربری، ترافیک، حمل و نقل و آثار آن بر «منظر»؛
- و کیفیت محیط زیست شهری (آب، هوا، ایمنی، مسکن و فضاهای سبز) (DOE, 1993).

۳-۲- ویژگی‌ها و ابعاد توسعه‌ی پایدار و توسعه پایدار شهری

بررسی ابعاد رویکرد پایداری حائز اهمیت است، این امر به تبیین جایگاه بعد فرهنگ در ابعاد این رویکرد کمک می‌کند. نقطه‌ی عطف و مرکزی تفکر پایداری، مشتمل بر ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی است.

بسیاری، نقطه تمرکز این رویکرد را این سه بعد می‌دانند، اما در این میان، برخی از تشکیلات و موسسات از یک سو و همچنین برخی پژوهشگران، ابعاد پایداری را فراتر در نظر می‌گیرند. برای نمونه ویلیج ارث^۵ و هاید روژن نو^۶ دو تشکیلاتی هستند که برای مطالعه‌ی شرایط به‌وجود آمده در زمینه پایداری جهانی و ارائه راه‌حل، ایجاد شده‌اند. در مدلی که ویلیج ارث^۷ پیشنهاد می‌کند، پایداری به بخش‌های پایداری محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و پایداری منابع تفکیک می‌شود (Alberston, 2004, 1-2). همچنین حال مفهوم پایداری شهری را در پنج دسته‌ی گوناگون، اقتصاد شهری پایدار، جامعه‌ی شهری، مسکن شهری، محیط زیست شهری و دسترس‌های شهری پایدار مدنظر قرار می‌دهد (Hall, 2002).

۳-۳- جایگاه پایداری فرهنگی در ابعاد توسعه‌ی پایدار شهری

بررسی‌ها نشان می‌دهد، مقوله‌ی فرهنگ نیز به‌عنوان یک مفهوم مهم، باید به‌صورت مجزا در این رویکرد مورد توجه قرار گیرد؛ هرچند این بدین معنی نیست که این بعد در ابعاد رویکرد پایداری مدنظر نبوده است. به‌عبارتی مدل‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی پایداری، فرهنگ را به‌عنوان یک بعد مهم در نظر می‌گیرند، ولیکن هنوز هم فقدان فهمی از این مسئله که فرهنگ در ارتباط با چه چیزی است؟ وجود دارد. در زیبایی پایداری^۸ هیلد گاردکورت^۹ اشاره می‌کند که فقدان ملاحظات فرهنگی در گفتمان^{۱۰} توسعه‌ی پایدار، برای نمونه در بیانیه‌ی ریو (۱۹۹۲) و اسناد دستورکار ۲۱ مشاهده می‌شود و این پرسش مطرح است که ابعاد زیبایی و فرهنگی پایداری از مباحث مرتبط با علوم اجتماعی و طبیعی تا میان دهه‌ی ۱۹۸۰، به عقب رانده شده‌اند (Duxbury & Gillette, 2007, 2). در دهه‌ی ۱۹۸۰ نیز که توجه به رویکرد پایداری اجتماعی مدنظر است، در دل این مفهوم مقولات فرهنگی مورد توجه است.



از این رو که مفهوم فرهنگ در ابتدا در ابعاد اجتماعی رویکرد پایداری مورد توجه است، در اینجا تعریفی از آن ارائه می‌شود که نشان دهنده‌ی دربرگیری جنبه‌های فرهنگ است. ابعاد اجتماعی توسعه‌ی پایدار مشتمل بر اجزا اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مؤسسه‌ای است (3, www.un.org). این بعد، مفهومی را بیان می‌کند که در آن افراد و جوامع محلی امکان لذت بردن از زندگی اجتماعی سالم و رضایت‌بخش را داشته و از تبعیض، ترس، جرم و رفتار غیراجتماعی رها هستند (5, Housley & Atkins, 2007). بدین ترتیب تا این تاریخ، فرهنگ به صورت سنتی به عنوان جزیی از ابعاد اجتماعی پایداری و یا بخشی از مباحث سرمایه‌ی اجتماعی بوده است (Duxbury, 2007, 3; Gillette, &). مکنزی در بررسی اصول پایداری اجتماعی، پنج اصل برابری، تنوع، ارتباط، دموکراسی و کیفیتی مناسب زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد (18-19, McKenzie, 2004). اصل تنوع و تاکید بر تنوع فرهنگی که از مهم‌ترین اصول پایداری فرهنگی هستند، در دل بعد پایداری اجتماعی گنجانده شده‌اند. همچنین در بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی مواردی مانند توجه به سیستم ارتباطات فرهنگی و تحقق یک‌پارچگی فرهنگی (18, McKenzie, 2004)؛ هویت، حس مکان، فرهنگ و افزایش سرزندگی فرهنگی (7, Colantonio, 2009; CECC – Cultural Research Salon – SFU, 2006, 1)؛ و رفاه، نشاط و کیفیت زندگی (7, Colantonio, 2009) مورد توجه هستند که به طور مستقیم در ارتباط با جنبه‌های فرهنگی هستند.

۳-۱- ضرورت توجه به مقوله فرهنگ در ابعاد مفهوم توسعه پایدار شهری

امروزه اهمیت مقوله‌ی فرهنگ در تمامی ابعاد توسعه‌ی پایدار شهری مشخص شده است. برای مثال فرهنگ برای توسعه‌ی احساس هویت، دلبستگی مکان و مشارکت اجتماعی ضروری است (5, Marsio, 2006) و همچنین در افزایش خلق ظرفیت مکان و کیفیت مکان موثر است (2, Baeker, 2006). بخش فرهنگ همچنین بر وضعیت اقتصادی کشور و ناحیه تاثیر می‌گذارد؛ برای نمونه به واسطه‌ی فرهنگ و توسعه‌ی شغلی و یا از طریق تبدیل اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش-محور و یا توسعه‌ی اقتصاد فرهنگی-صنعتی خلاق و بدیع (6-5, Marsio, 2006; Baeker, 2006, 6). عامل فرهنگی همچنین یک عامل قطعی برای توسعه‌ی سیاسی است، برای نمونه در زمینه‌ی آزادی بیان و راه اندازی رسانه‌های آزاد و سایر عرصه‌ها برای گفتگوی انتقادی. همچنین فرهنگ و بخش فرهنگی نقش بسیار مهمی در توانمندسازی توسعه‌ی پایداری اجتماعی-فرهنگی و کاهش فقر دارند (6, Marsio, 2006). به عبارتی سرزندگی فرهنگی^{۱۱}، عدالت اجتماعی^{۱۲}، مسئولیت‌پذیری محیطی^{۱۳} و سوددهی اقتصادی^{۱۴} برای تحقق پایداری ضروری است (1, Hawkes, 2006).

جدول ۱- بررسی تاثیرگذاری پایداری فرهنگی بر ابعاد توسعه‌ی پایدار شهری (Marsio, 2006; Baeker, 2006)

زمینه	برخی از تاثیر فرهنگ در ابعاد توسعه‌ی پایدار
بعد زیست محیطی	حفظ و نگهداشت محیط زیست
بعد اقتصادی	توسعه شغلی، تغییر الگو اقتصاد به اقتصاد دانش پایه، توسعه اقتصاد خلاق
بعد اجتماعی	ارتقا احساس هویت، دلبستگی مکان، مشارکت اجتماعی و ایجاد ظرفیت خلق مکان

در کنار اهمیت و تاثیر فرهنگ بر سایر ابعاد توسعه‌ی پایدار، آنچه سبب شده تا پایداری فرهنگی به عنوان یک بعد مستقل و مجزا از بعد پایداری اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، تاثیر روندهای رو به رشد جهانی است. از این رو است که محافظت و توسعه‌ی تنوع فرهنگی، عرصه‌های سیاست متنوع را تحت تاثیر قرار داده و به موضوع مهمی در دستور جلسه^{۱۵} بین المللی فرهنگی تبدیل شده است (Koning, 2001, 5; Marsio, 2006, 5-6; Nurse, 2006, 33; Chile and Simpson, 2004, 318). جان هاوک^{۱۶} در کتاب «بعد چهارم پایداری، نقش ضروری فرهنگ در برنامه‌ریزی عمومی»، به بررسی عوامل موثر در ظهور بعد فرهنگ پرداخته است. وی به جز روند جهانی‌سازی، عواملی مانند حفاظت از میراث؛ حس مکان؛ دانش بومی و سیاست‌های سنتی؛ توسعه فرهنگی جامعه؛ هنرها، آموزش و جوانان؛ طراحی پایدار؛ و برنامه‌ریزی را مورد توجه قرار می‌دهد (25-1, Hawkes, 2001).

۳-۲- بررسی تاریخی روند توجه به موضوع فرهنگ در ابعاد پایداری توسعه

به صورت خاص یونسکو، مجلس اروپا و همچنین اخیرا انجمن اروپایی، ارتباط میان تنوع فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی را نشان داده‌اند. در اینجا به بررسی مهم‌ترین نقاط عطف در بررسی موضوع پرداخته می‌شود (11-7, Marsio, 2006; Nurse, 2006, 33; Lawanga, 2001; <http://clg-politics-and-society.ca>).

جدول ۲- تاریخچه توجه به مقوله فرهنگ (Nurse, 2006, 33; http://clg-cgl.politics-and-society.ca; Lawanga, 2001; Marsio, 2006, 7-11)

تاریخ	محمل	موضوع	توضیحات
۱۹۸۲	کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی ^{۱۷} در مکزیکوسیتی	هویت فرهنگی، حاکمیت	نتیجه‌ی این کنفرانس «بیانیه‌ی مکزیکوسیتی درباره‌ی سیاست‌های فرهنگی- به‌صورتی تغییرناپذیر ارتباط فرهنگ با توسعه بود. فرهنگ، ابعاد بنیادین فرآیند توسعه را شکل می‌دهد و استقلال ^{۱۸} ، حاکمیت ^{۱۹} و هویت ^{۲۰} ملل را بهبود می‌بخشد.
۱۹۹۲	مذاکرات انجمن‌های جهانی در خصوص فرهنگ و توسعه	فرهنگ و توسعه	-
۱۹۹۴	نشست بین‌المللی ^{۲۱} که به عنوان باربادوز ^{۲۲} + نیز شناخته می‌شود	برنامه‌ی عملیاتی برای توسعه‌ی پایدار	در این نشست، چندین موضوع جدید مورد توجه قرار گرفته اند. موضوع فرهنگ نیز یکی از این موضوعات نو در این نشست بوده است.
۱۹۹۵	گزارش انجمن خلاق ^{۲۳} ما		به‌عنوان یک راهنمای مهم ^{۲۴} در فهم و ارتباط مفاهیم و زمینه‌های وسیع فرهنگ، توسعه، آزادی و قومیت مورد توجه قرار گرفت.
۱۹۹۷	انجمن اروپا	سیاست‌های فرهنگی	سندی مستقل درباره‌ی ارتباط میان فرهنگ و توسعه در اروپا است که جهت‌گیری‌های جدیدی در سیاست فرهنگی را طرح ریزی کرده است.
۱۹۹۸	کنفرانس بین‌حکومتی ^{۲۵} در استکهلم	سیاست‌های فرهنگی	بر برنامه عملیاتی درباره‌ی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه تاکید داشت و به این نتیجه دست یافت که توسعه‌ی پایدار و پیشرفت فرهنگ وابسته به هم هستند.
سپتامبر ۲۰۰۰	اجلاس هزاره‌ی سران سازمان ملل ^{۲۶}	اهداف توسعه‌ی هزاره	سران جهان تصمیم گرفتند تا اهداف کلان و عملیاتی قابل سنجش برای مبارزه علیه فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، کنترل محیطی و تبعیض علیه زنان را زمانمند نماید. اگرچه فرهنگ به صورت آشکار از هیچکدام از اهداف توسعه‌ی هزاره مورد توجه قرار نگرفته است. اما عوامل فرهنگی به صورت مستقیم و غیر مستقیم تعدادی از مواردی که این اهداف بیان می‌کنند را تحت تاثیر قرار داده اند.
۲۰۰۴	برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل ^{۲۷}	فرهنگ و توسعه	گزارش توسعه‌ی انسانی، اهمیت توجه به موضوع فرهنگ در نقاط عطف عمل و تفکر توسعه را بیان می‌کند و نتیجه‌گیری می‌نماید که آزادی فرهنگی تنها یک حق فرهنگی نیست، بلکه کلیدی برای توسعه پایدار است.
	بانک جهانی	فرهنگ و فقر	به انتشار «فرهنگ و فعالیت/عمل عموم ^{۲۸} » در سال ۲۰۰۴ منجر شد.
۲۰۰۳	میثاق حفاظت میراث فرهنگی	حفاظت از میراث فرهنگی عینی	-
۲۰۰۵	میثاق حفاظت پیشرفت تنوع بیانات فرهنگ ^{۲۹}	تنوع فرهنگی	این میثاق ابزار قانونی و بین‌المللی است که از تنوع بیانات فرهنگی محافظت کرده و به پیشرفت آن‌ها کمک می‌کند. همچنین مشارکت فرهنگ در توسعه پایدار و بهبود مشارکت بین‌المللی را فراهم می‌کند. در عین حال تاکید بر این امر دارد که تنوع فرهنگی، باید به-عنوان میراث مشترک انسانی سازمان دهی شود.

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود از میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰، علاقه‌ی رو به رشدی بین‌المللی در رابطه با نقش فرهنگ در فرآیندهای توسعه‌ی مورد توجه قرار گرفته است. این امر مورد تاکید قرار گرفته که در بسیاری از سطوح جامعه، بخش پویای فرهنگی یک پیش زمینه برای عملکرد مناسب قلمرو عمومی به‌همراه عرصه‌ای برای گفتگوی انتقادی و تبادل ایده‌ها؛ و فرهنگ برای توسعه‌ی احساس هویت، دبستگی مکان و مشارکت اجتماعی ضروری است (Marsio, 2006, 5).

۳-۳-۳- پایداری فرهنگ و تبیین مفهوم فرهنگ در آن

پیش از ارائه‌ی تعریف پایداری فرهنگی، در ابتدا لازم به‌نظر می‌رسد تا تعریف مناسبی از مفهوم فرهنگ ارائه شود، زیرا این مفهوم یکی از مفاهیم بسیار پیچیده و در عین حال با ابعادی وسیع است. در تعریف یونسکو (۱۹۸۲)^{۳۰} از فرهنگ آمده که: «در وسیع‌ترین حالت، فرهنگ به ترکیب تمامی ویژگی‌های مشخص معنوی، مادی، منطقی و احساسی گفته می‌شود، بلکه همچنین رسم زندگی، حقوق بنیادین انسان، سیستم‌های ارزشی و اعتقادات را در بر دارد (Marsio, 2006, 5)».

جان هاوک، فرهنگ را به‌عنوان مفهومی می‌داند که جوامع محلی را برای خلق ارزش‌ها، معانی و اهداف زندگی به‌کار می‌برند. این مفهوم از نظر جان هاوک در مقابل دیدی به فرهنگ است که آن را به‌صورت ساده با هنرها و میراث مورد توجه قرار می‌دهد. به‌عبارتی هاوک معتقد است، پذیرش فرهنگ به‌عنوان هنرها و میراث، منجر به حاشیه راندن مفهوم فرهنگ می‌شود (Hawkes, 2006, 1). ریموند ویلیمز (۱۹۸۳)، در کتاب خود با عنوان «فرهنگ»، حداقل چهار تعریف برای فرهنگ ارائه می‌دهد (Nurse, 2006, 34-35).



حالت توسعه‌ی یافته فهم، برای نمونه انسان متمدن^{۳۱}؛ فرآیندهای این توسعه -برای نمونه «علاقه فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی»؛ ابزار این فرآیندها -برای نمونه فرهنگ به‌عنوان «مطالعه‌ی روشنفکرانه‌ی هنر» و «فعالیت‌های عقلایی انسان»؛ و در نهایت به‌عنوان «شیوه‌ی زندگی» و «سیستم معنی» که به‌وسیله‌ی آن نظم اجتماعی بازتولید، تجربه و اکتشاف می‌شود.

بیش‌ترین استفاده از واژه‌ی فرهنگ در ارتباط با تعاریف سوم و چهارم است. اغلب این دو مفهوم با هم ارتباط می‌یابند و غیر قابل تشخیص می‌شوند. هنگامی که راجع به توسعه‌ی پایدار سخن گفته می‌شود، توجه به مفهوم فرهنگ در قالب حفاظت از «هنرها»^{۳۲}، «میراث» و «هویت فرهنگی» با تأکید بر این مفهوم که فرهنگ دربرگیرنده‌ی مفهوم وسیع تمدن است و «شیوه‌ی زندگی» را مدنظر دارد، بسیار ضروری است (Nurse, 2006, 35).

با این تعاریف از فرهنگ، می‌توان بیان کرد که پایداری فرهنگی به‌دنبال مورد خطاب قرار دادن نیازهایی در جوامع انسانی است که منجر به توسعه‌ی مفاهیم و نگرش‌های مشترک می‌شود. دست‌یابی به پایداری فرهنگی متکی به ایجاد برنامه ریزی آموزشی، فعالیت‌های خودآگاه فرهنگی است و حفاظت و نگاهداری از هویت فرهنگی را تضمین می‌نماید. پایداری فرهنگی نیازمند هنرها و سایر جنبه‌های فطری (زبان، پوشش و فولکلور) است (www.un.org, 3). همچنین در یک تعریف کوتاه که موسسه‌ی توسعه‌ی پایدار ارائه داده، پایداری فرهنگی به‌عنوان توانایی است که به ابقاء هویت فرهنگی کمک می‌کند (Sustainable development institute, 1998). نقل از (Duxbury and Gillette, 2007).

برای ارائه تعریف پایداری فرهنگی، همچنین می‌توان از منابع و سرمایه‌های فرهنگی کمک گرفت. سرمایه فرهنگی مشتمل بر سرمایه‌ی کالبدی مشتمل بر ساختمان‌ها، اشیاء، فعالیت هنری؛ و سرمایه‌ی ذهنی^{۳۳} است که بیشتر در ارتباط با جنبه‌های درونی‌تر فرهنگ قرار می‌گیرد و مشتمل بر دیدها، اعتقادات و فعالیت هنری است که در این قلمرو تعریف می‌شود (Wieler, 2006, 3). همچنین مارک رزلند و همکاران بیان می‌کنند که در زمینه‌ی پایداری، فرهنگ به‌عنوان سرمایه‌ی فرهنگی مدنظر است که مشتمل بر «سنت‌ها، ارزش‌ها، میراث، مکان، هنرها، تنوع و تاریخ اجتماعی» است (Rosland et al, 2005, 3). همچنین در بیان منابع فرهنگ و نافرنگ، از دو دسته‌ی منابع سخن به میان می‌آید: منابع محسوس و عینی در مقابل منابع ذهنی. منابع عینی مشتمل بر میراث مصنوع، مناظر فرهنگی و طبیعی؛ نشانه‌ها؛ رویدادها و فعالیت‌ها؛ تشکیلات فرهنگی -برای کسب سود/بدون سود؛ و صنعت محلی، تولید مصنوع و صنعت خلاق است و منابع ذهنی مشتمل بر خاطرات؛ نگرش‌ها؛ ارزش‌ها؛ داستان‌ها؛ و ویژگی‌های منحصر به فرد یا شخصیت^{۳۴} جوامع محلی^{۳۵} هستند (Baeker, 2006, 3).

۳-۳-۴- قلمرو پایداری فرهنگی

به‌نظر می‌رسد توجه به ابعاد پایداری فرهنگی در سطح جوامع محلی، بیشتر مورد توجه است. این مسئله از این حیث حائز اهمیت است که فرهنگ در ارتباط بسیار عمیق‌تری با سطوح محلی است. یکی از عرصه‌های تبلور شعار «جهانی فکر کنیم و محلی عمل نماییم»، در مقوله‌ی فرهنگ و حفظ تنوع و هویت فرهنگی است. به‌خصوص از این‌رو که این دو مفهوم به‌عنوان اصول مهم رویکرد پایداری فرهنگ مورد توجه هستند. بدین‌ترتیب موازی با چرخش محلی^{۳۶} در مقیاس پایداری، توجه گسترده‌ای به‌مقوله‌ی فرهنگ به‌عنوان جز مهم پایداری شده است (Duxbury and Gillette, 2007, 4). نانسی دوکسبری^{۳۷} نیز در مقیاس محلی، ارتباط میان جوامع و فرهنگ در پایداری را این‌گونه بیان می‌کند: پیگیری پایداری یک تعهد محلی است، نه به این علت که هر جامعه‌ی محلی به‌صورت بوم‌شناسی و فرهنگی منحصر به فرد است، بلکه به این علت که شهروندان دارای نیازها و نیازمندی‌های فضا-محور خاص هستند (Wieler, 2006, 2).

برای بیان روشن‌تر اهمیت توجه به فرهنگ در توسعه محلی در قالب رویکرد پایداری، در اینجا توسعه‌ی محلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. توسعه‌ی فرهنگی جوامع محلی، به‌عنوان یک فرآیند جمعی درک می‌شود که اغلب با خلاقیت در معنای گسترده‌ی آن، در ارتباط است. این نوع توسعه منجر به تغییر زندگی مردم و بهره‌وری بلندمدت توسعه برای جامعه محلی می‌شود. ضرورت دربرگیری ملاحظات فرهنگی در طرح‌های ترکیبی جوامع محلی پایدار^{۳۸}، در جوامع محلی در سرتاسر کانادا نیز ارتباطات میان فرهنگ و توسعه را مدنظر قرار می‌دهد (<http://clg-cgl.politics-and-society.ca>). هدف مرکزی توسعه‌ی جوامع محلی متکی بر این امر است که ساکنین دارای توانایی برای بیان ارزش‌ها، اتکاء به خود، دارای رضایت از نیازمندی‌های اولیه‌ی انسانی و دارای مشارکت و مشمولیت بیشتر در جوامع محلی خود می‌باشند. به‌طور کلی، شش بعد توسعه‌ی جوامع محلی مشتمل بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، معنوی (غیرمادی)،

فرهنگی و محیطی است. فلسفه‌ی پشتیبانی توسعه‌ی جوامع محلی، ارتباط افراد به جوامع است، با شناخت این موضوع که رفاه افراد بر رفاه جوامع و بالعکس تاثیرگذار است (Alberston, 2004).

۳-۳-۵- شاخص‌های پایداری فرهنگی

تبیین شاخص‌های پایداری فرهنگی از این رو اهمیت دارد که در تدوین چشم‌انداز فرهنگی و بررسی و ارزیابی فرهنگی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بهره‌گیری از شاخص‌ها بسیار راهگشا است. در اینجا مهم‌ترین شاخص‌های پایداری فرهنگی در نمونه‌های خاص ارائه می‌شود. طیف شاخص‌های مورد توجه با تاکید به مقوله‌ی فرهنگ و ابعاد مورد توجه در پایداری فرهنگی (مشمول بر تنوع و هویت فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین اصول) تبیین می‌شود. با این حال به‌نظر می‌رسد، به‌منظور تبیین شاخص‌های مناسب، لازم است تا در ابتدا اصولی مورد ملاحظه قرار گیرد. اصول مورد استفاده در این بررسی، اصول بلاگيو^{۳۹} هستند که به‌وسیله‌ی گروهی بین‌المللی از وکلا و محققان در سال ۱۹۹۵ توسعه یافته است (Wieler, 2006, 6). مهم‌ترین اصول بلاگيو مشتمل بر این موارد است: هدایت چشم‌انداز و اهداف؛ داشتن رویکردی تاریخی؛ دیدی کافی؛ تمرکز کاربردی؛ و بازی است.

با توجه به اصول بیان شده در بالا، شاخص‌های پایداری فرهنگی تبیین می‌شوند. برای مثال در نمونه‌ی گزارش پایداری منیتوبا در کانادا^{۴۰}، شاخص‌های فرهنگی تدوین شده‌اند. این گزارش در رابطه با جوامع محلی و عناصر فرهنگ است و شاخص‌های آن در سه دسته قرار می‌گیرند (جدول ۳). تعهدات جامعه‌ی محلی یک دسته را شکل می‌دهند، در دسته‌ی حفاظت از میراث، شاخص تعداد سایت-های متعلق به میراث و دسته‌ی آخر، ارجاع به نگهداری از زبان مادری مورد تاکید است (Wieler, 2006, 7). بدین ترتیب سه دسته-بندی، ابعاد مختلف مرتبط با فرهنگ در توسعه‌ی پایدار را مورد توجه قرار می‌دهند. دسته‌ی اول در ارتباط با «بعد ارزشی» است و جنبه‌های درونی مفهوم فرهنگ را در بر می‌گیرد. دسته‌ی دوم، بیشتر ساخت و ساز و هنرهای دستی را مورد توجه قرار می‌دهد و دسته-ی سوم در ارتباط با «تنوع فرهنگی» است.

جدول ۳- شاخص‌های مورد توجه در برنامه‌ریزی با رویکرد پایداری فرهنگی در منیتوبا (Wieler, 2006, 7)

طبقه	شاخص	منبع
تعهدات جامعه محلی	حس تعلق	سرشماری کانادا
	درگیری شهروندان در تشکیلات	سرشماری کانادا
	همیاری و کمک	بنگاه سهامی کانادا
حفاظت از میراث	تعداد سایت‌های میراثی	فرهنگ، میراث و توریسم منیتوبا
زبان	نگهداری از زبان مادری	سرشماری کانادا

استفن مارکز نیز، مجموعه‌ای از شاخص‌ها را جهت اندازه‌گیری دسترسی به‌عنوان بخشی از حق شرکت در زندگی فرهنگی پیشنهاد می‌کند. این اجزا شامل کاربرد زبان‌ها؛ تحصیل؛ خلق و نگهداشت فرهنگ؛ حفاظت؛ منتشر ساختن؛ پاسداری از اهداف ارزش فرهنگی؛ و پاسداری از دارایی فرهنگی پویا می‌شود (Marks, 2003 به نقل از صالحی میلانی، ۱۳۸۸). به هر طریق به نظر می‌رسد لازم است تا شاخص‌ها ضمن در نظر گرفتن ابعاد بسیط مفهوم فرهنگ، ابعاد توسعه‌ی را نیز مدنظر قرار دهند و تحقق تنوع و هویت فرهنگی را مورد توجه قرار دهند.

با توجه به اهمیت پایداری فرهنگی در ابعاد برنامه‌ریزی شهری، به‌عنوان نمونه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی فرهنگی در شهر تهران بررسی می‌شود. بدین‌منظور برنامه‌ریزی جامع فرهنگی شهر تهران در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از این بررسی، تحلیلی بر نحوه‌ی برنامه‌ریزی فرهنگی در شهر تهران با هدف تحقق اهداف رویکرد توسعه‌ی پایدار فرهنگی-هویت فرهنگی- است. این بررسی، تحلیلی بر ماهیت برنامه در قالب بررسی چشم‌انداز، اهداف، محورهای مورد تاکید، نحوه‌ی تعریف فرهنگ و راهبردهای تدوین شده است. بدین‌ترتیب زمینه‌ای برای بررسی این برنامه و ارتباط آن با رویکرد توسعه‌ی پایدار فراهم می‌شود. هم‌چنین با توجه به شاخص‌های پایداری فرهنگی که پیش از این ارائه شد، شاخص‌هایی که مورد توجه این برنامه نیز هستند، بررسی می‌شوند تا تاکیدات و نقاط ضعف و قوت این برنامه شناسایی شود.

۳-۴- مدل مفهومی پژوهش

همان‌طور که پیش از این بیان شد، برای تحقق پایداری فرهنگی لازم است به سرمایه‌های فرهنگی توجه شود. این سرمایه‌ها مشتمل بر سرمایه‌ی عینی (مشتمل بر میراث مصنوع، مناظر فرهنگی و طبیعی، نشانه‌ها، رویدادها و فعالیت‌ها تولید مصنوع و صنعت خلاق) و ذهنی (سنت، ارزش‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و...) هستند. همچنین بیان شد که سطوح فرهنگ در ابعاد پایداری سه سطح را در برمی‌گیرد. سطح اول، در ارتباط با ارزش‌ها، سطح دیگر مرتبط با هنر و عناصر فرهنگی و سطح دیگر مرتبط با تنوع فرهنگی است. بنابراین چنین می‌توان بیان نمود که سطح ارزش‌ها و تنوع فرهنگی در ارتباط با سرمایه‌های فرهنگی ذهنی است و سطح هنر و عناصر فرهنگی در ارتباط با سرمایه‌ی عینی است. بررسی شاخص‌های مورد توجه در پایداری فرهنگی نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص‌های مورد تاکید در پژوهش‌ها (Duxbury et al., 2006; Sandercock, 2003; Ley, 2000) موارد زیر هستند که قابل دسته‌بندی در لایه‌های سه-گانه‌ی فرهنگ هستند.

- آزادی بیان، حفاظت از ارزش‌های فرهنگی، دسترسی به خدمات فرهنگی، ایجاد مراکز فرهنگی، ایجاد بستر فعالیت‌های فرهنگی، حفاظت از میراث فرهنگی، گردشگری فرهنگی، آموزش، مشارکت، توجه به چندفرهنگی و تنوع فرهنگی، توجه به حقوق شهروندی.

جدول ۴- مدل مفهومی پژوهش

انواع سرمایه فرهنگی	سرمایه‌ی ذهنی	سرمایه عینی
لایه‌های فرهنگ	مربوط به ارزش	مربوط به هنر و عناصر فرهنگی
شاخص‌های پایداری فرهنگی	آزادی بیان و عقیده حفاظت از ارزش‌های ملی و هویت ملی	دسترسی به خدمات فرهنگی؛ حفاظت از عناصر و میراث فرهنگی؛ ایجاد مراکز فرهنگی؛ ایجاد بستی برای فعالیت‌های فرهنگی؛ گردشگری فرهنگی؛ آموزش.
اهداف مورد تاکید در پایداری فرهنگی	هویت فرهنگی	تنوع فرهنگی
		هویت فرهنگی

۵- یافته‌ها و بحث- بررسی برنامه‌ی جامع فرهنگی شهر تهران

پیش از بررسی برنامه‌ی جامع فرهنگی تهران، در ابتدا لازم است تا دو سند کلان مربوط به فرهنگ در سطح ملی بررسی شود. بررسی سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور (افق ۱۴۰۴) که در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان مبنای سیاست‌های کلی چهار برنامه‌ی پنج ساله‌ی کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ مورد توجه قرار گرفته، نشان می‌دهد که جهت‌گیری خرد و کلان در عرصه‌های مختلف چون فرهنگ، بررسی شده و در کنار اهداف اقتصادی سیاسی، اهداف فرهنگی مشتمل بر هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش بودن در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است. بررسی محورهای اساسی سند چشم‌انداز و جایگاه فرهنگ در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵- مولفه‌ها، کارکردها و متغیرهای مربوط به بعد فرهنگی

بعد	کارکردها	مولفه‌ها	متغیرها
فرهنگی	احساس عدالت، امنیت، آزادی، بهبود و آسایش و همبستگی اجتماعی	آزادی، دینداری، بهبود فردی، خانواده، احساس ارزش‌های اجتماعی، احساس برابری و عدالت	فعال، مسئولیت‌پذیر، رضایت‌مند، برخورد از وجدان کاری اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی، انقلابی، برابری و توسعه‌ی همه‌جانبه

همان‌گونه که در سند چشم‌انداز مشاهده می‌شود، سطوح مورد تاکید در این سند، بیشتر در انطباق با ارزش‌ها بوده و در کارکردها، مولفه‌ها و متغیرها، بر لایه‌ی هنر و تنوع فرهنگی کمتر توجه شده است. بررسی سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور که در شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۳/۰۸/۲۰ به تصویب نهایی رسید، نشان می‌دهد که در چشم‌انداز فرهنگی ۱۴۰۴ در این سند، ایران کشوری با هویت ایرانی-اسلامی، دارای جایگاه نخست در عرصه‌های فرهنگ و هنر، تعلیم و تربیت، علم و فناوری اطلاعات، ارتباطات و رسانه در



سطح منطقه و جهان اسلام تعریف شده است. همان‌طور که در ابعاد چشم‌انداز مورد توجه است به هر سه لایه‌ی فرهنگ در این سند اشاره شده است. در رابطه با لایه‌ی تنوع که یکی از اهداف پایداری فرهنگی است در این سند بیان شده که تنوع و تفاوت‌های فرهنگی اقوام ایرانی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب فرهنگ اسلامی-ایرانی، امری طبیعی و پذیرفته شده است. تعامل و تبادل فرهنگی در چارچوب فرهنگ اسلام صورت می‌پذیرد. بررسی اصول مورد تاکید در این سند نشان می‌دهد که در سطوح فرهنگ اصل-های زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

- سطح ارزش: دین‌مداری، فرهنگ محوری، عدالت، هدایت و راهبری، اصل جامعیت، اصل تامین منابع و هدایت سرمایه‌ها؛
- سطح تنوع: تعاون و مشارکت مردمی، اصل تعامل موثر.

بررسی اولویت‌های فرهنگی در این سند نیز نشان می‌دهد علی‌رغم آنکه در میان اولویت‌های طرح شده، موضوع هنر، محصولات و صنایع فرهنگی مطرح بوده، اما سایر سطوح فرهنگ بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ادامه ارتباط اولویت‌های فرهنگی با سطوح فرهنگ ارائه می‌شود.

- سطح ارزش: توجه به نهاد خانواده، هویت، اخلاق و فرهنگ عمومی، نظام فرهنگی؛
- سطح تنوع: تعامل موثر، تعامل منطقه‌ای و جهانی؛
- سطح هنر و عناصر فرهنگی: محصولات و صنایع فرهنگی، هنر.

پس از بررسی اسناد کلان، در ابتدا لازم است تا در وضعیت کلی فرهنگی پایتخت مواردی بیان شود. برای این بررسی طرح آمایش سرزمین و اصول کلی که در امور استانی مورد توجه بوده، ارائه می‌شود. درجه‌ی توسعه یافتگی اجتماعی- فرهنگی تهران با توجه به شاخص‌های کمی یونسکو در خصوص خدمات فرهنگی، در سطح اول قرار داشته است، به عبارتی به لحاظ خدمات فرهنگی استان تهران، در سطح بسیار مناسبی است. این امر به این دلیل است که تهران به مدت دو قرن به لحاظ اقتصاد سیاسی و بیش از نیم قرن شهر مسلط کشور از زوایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی بوده و همچنین دارای نقش محوری است (احمدی علی آبادی، ۱۳۸۷) که نشان‌دهنده‌ی ضرورت توجه به برنامه‌ی فرهنگی برای تهران است.

برنامه‌ریزی جامع فرهنگی تهران (۱۳۸۷)، براساس تصمیم شورای عالی مطالعات راهبردی شهرداری تهران تدوین شده است. مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، مسئولیت تهیه و تدوین طرح جامع فرهنگی شهر تهران را برعهده داشته است (مظفری و رزاقی، ۱۳۸۷). این برنامه در راستای تحقق چشم‌انداز طرح جامع تهران و تحقق ابعاد فرهنگی آن و همچنین چشم‌انداز ۱۴۰۴ در بخش فرهنگی ارائه شده است. همان‌طور که پیش از این بیان شد در اینجا بررسی چشم‌انداز، اهداف و ابعاد مورد تاکید برنامه‌ی جامع فرهنگی، مدنظر است. ضرورت این بررسی از این‌رو است که هم‌اکنون در برنامه‌ریزی فرهنگی شهری، رشد حرفه‌ای علاقه‌مندی به ارتباط دادن فرهنگ و پایداری، قابل توجه است و ظهور تنوعی از برنامه‌های فرهنگی مرتبط با هنر و محیط‌های محلی در سال‌های اخیر انعکاس یافته است (<http://clg-cgl.politics-and-society.ca>).

بررسی چشم‌انداز فرهنگی که در این برنامه آمده، در تعیین رویکرد مورد توجه این برنامه و همچنین در تحلیل موثر است. این چشم‌انداز در چندین زمینه تدوین شده است: شهر فرهنگی، شهروندان فرهنگی، ارزش‌های حاکم بر خدمات مدیریت فرهنگی، مدیران و مدیریت فرهنگی. به نظر می‌رسد، به این دلیل که رویکرد کلان در تدوین چشم‌انداز پایداری فرهنگی نیست، برخی از موضوعات مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند. این در حالی است که با توجه به نقش کلان شهر تهران در ایران و منطقه، بهره‌گیری از ابعاد رویکردهای کلانی چون توسعه‌ی پایدار ضروری است. این امر منجر می‌شود شهر تهران ضمن حفظ هویت و انسجام فرهنگی، فضایی را برای بارور کردن روحیه‌ی فرهنگی شهروندان و مشارکت آن‌ها ایجاد کند.

بررسی کلی این برنامه، بهره‌گیری از رویکرد پایداری فرهنگی در ابعاد برنامه را نشان نمی‌دهد. در این برنامه ۹ محور اساسی به‌منظور تدوین برنامه‌ی جامع فرهنگی شهر تهران مورد توجه بوده است. این محورها عبارتند از: هویت ملی و دینی؛ آیین‌ها و مناسبت‌های ملی و مذهبی؛ قرآن و معارف اسلامی؛ فرهنگ ایثار و شهادت؛ اماکن مذهبی و تربیتی؛ اوقات فراغت؛ گردشگری؛ کتاب و کتاب‌خوانی؛ سیما و منظر شهری؛ و اطلاع‌رسانی. بررسی محورها نشان می‌دهد، هرچند ابعاد بسیط فرهنگ مدنظر است، اما توجه به ابعاد هنر، آموزش و میراث از نظر دور مانده است. بدین‌ترتیب محورهای مورد تاکید بهتر است مشتمل بر محورهای مذهب، آموزش، ارتباطات، محیط مصنوع، هنر، تفریح و ورزش باشد. همچنین نکته حائز اهمیت این‌که تاکید بیش از حد بر موضوع مذهب وجود دارد و حتی بسیاری از محورها به‌صورت غیرمستقیم در این رابطه تبیین شده‌اند. در عین حال بررسی دقیق‌تر حاکی از این مسئله است که توجه به ابعاد درونی

و ارزش‌ها در مفهوم فرهنگ و پایداری فرهنگ مورد توجه هستند. اما توجه به ابعاد تنوع و هویت فرهنگی کمتر مورد تاکید است. این در حالی است که دو بعد محوری بعد فرهنگی در توسعه‌ی پایدار، تحقق تنوع و هویت فرهنگی است. همچنین با انطباق شاخص‌های مورد تاکید در این سند با سطوح مورد بررسی در فرهنگ و شاخص‌های اشاره شده در بخش چارچوب مفهومی، می‌توان بیان نمود که در این برنامه تلاش شده تا در شهرداری تهران به‌عنوان نهاد اجرایی، سطح مربوط به هنر و عناصر فرهنگی به‌عنوان سرمایه‌های عینی مورد تاکید قرار گیرد و در سطح ارزش و تنوع با استناد به سندهای کلان کشور، شاخص‌های مورد تاکید در آنها، لحاظ شود. هرچند در مقام مقایسه با نمونه‌های جهانی به برخی از شاخص‌ها چون آزادی بیان و عقیده، توجه به موضوع خلاقیت، مشارکت بین مردم و مسئولیت، دموکراسی فرهنگی و گردشگری فرهنگی اشاره نشده است.

جدول ۶- بررسی شاخص‌های و سطوح فرهنگی مورد تاکید در برنامه جامع فرهنگی تهران

توضیحات			لایه/ شاخص
سطح مرتبط به هنر و عناصر فرهنگی	سطح مربوط به تنوع	سطح ارزش	لایه‌های فرهنگ
میراث فرهنگی؛ آموزش فرهنگی؛ ایجاد موسسات فرهنگی؛ دسترسی به خدمات فرهنگی؛ ایجاد بستر فعالیت‌های فرهنگی و هنری	چند فرهنگی هویت فرهنگی مشارکت	هویت فرهنگی مذهب ارزش‌های ملی حقوق فرهنگی	شاخص‌ها

در عین حال، نقدی دیگری که بر این برنامه وارد است، عدم شناسایی شاخص‌ها و یا تدوین چارچوب فرهنگی در برنامه‌ریزی است. این در حالی است که چارچوب‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی محلی و شهری موثرترین راه برای تدوین سیاست‌های فرهنگی است. بنابراین به نظر می‌رسد، ضمن بهره‌مندی از یک رویکرد کلان در تدوین این برنامه، چشم‌انداز باید بازنگری شود. در ادامه با توجه به ابعاد بسیط فرهنگ، تمامی محورها مورد توجه قرار گیرد و همچنین براساس چارچوب فرهنگ و شاخص‌های پایداری فرهنگی، سیاست‌ها و راهبردها تدوین شوند.

۶- نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، قلمرو فرهنگ به‌عنوان «موضوعی برجسته» در موضوعات توسعه‌ی جهانی به سبب افزایش سهم کالاهای فرهنگی، خدمات و سرمایه‌ی ذهنی در جهان تجارت و هم چنین به‌دلیل تهدید هویت و تنوع فرهنگی ناشی از روند جهانی شدن، مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که منجر به ارتباط نامناسب فرهنگ با بحث گسترده‌ی توسعه می‌شود، آن است که عموماً عرصه‌ی فرهنگ بسیار محدود تعریف می‌شود و این درحالی است که تعریف بسیط و مقبول از فرهنگ تنها ابعاد هنر و میراث را مورد توجه قرار نمی‌دهد. با این تعریف فرهنگ و بخش فرهنگی نقش بسیار مهمی در توانمندسازی توسعه‌ی پایدار اجتماعی-فرهنگی و کاهش فقر دارد. برای جستجوی مفاهیم و مدل‌های مرتبط با بعد فرهنگ در تفکر پایداری، باید با بحث در خصوص پایداری اجتماعی، سرمایه و توسعه‌ی فرهنگی جوامع محلی و هنرهای بومی آغاز نمود. بدین ترتیب ایده‌ی فرهنگ به‌عنوان بعد چهارم توسعه‌ی پایدار همراه با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد پایداری فرهنگی، درک پویایی از مفهوم فرهنگ را مورد توجه قرار می‌دهد و هدف آن تحقق تنوع و هویت فرهنگی است. بنابراین اهمیت مقوله‌ی فرهنگ در برنامه‌ریزی شهری مشخص می‌شود. ضمناً از یک‌سو اهمیت تاثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقا حس مکان، توسعه اقتصاد خلاق و دانش پایه منجر شود؛ و از سوی دیگر هویت و تنوع فرهنگی در جامعه محقق سازد. بدین‌منظور توجه به ابعاد ملموس و ناملموس تجلیات فرهنگی باید مدنظر قرار گیرد.

نتایج بررسی برنامه‌ی فرهنگی در شهر تهران نشان داد، با توجه به شرایط روندهای کنونی مانند جهانی شدن از یک‌سو و ضرورت حفظ هویت فرهنگی شهر تهران از سوی دیگر، توجه به تحقق اهداف پایداری فرهنگی به‌منظور حفظ هویت متمایز فرهنگی شهر تهران، امری ضروری است. لذا بهتر است برنامه‌ریزی فرهنگی شهر تهران، به‌منظور جامعه عمل پوشاندن به اهداف برنامه‌های توسعه، اهداف چشم‌انداز بیست ساله و طرح جامع تهران در بخش فرهنگی، ابعاد و شاخص‌های فرهنگی پایداری را مورد توجه قرار دهد.



- 1- Schemata
- 2- Images
- 3- Concepts
- 4- World Commission on Environment Development
- 5- Village Earth
- 6- Hydrogen Now
- 7- VE
- 8- Aesthetics of sustainability
- 9- Hildgard Kurt
- 10- Discourse
- 11- Cultural vitality
- 12- Social equity
- 13- Ecological responsibility
- 14- Economical viability
- 15- Agenda
- 16- Jon Hawkes
- 17- MONDIACULT
- 18- Independence
- 19- Sovereignty
- 20- Identity
- 21- SIDS
- 22- Barbados+10
- 23- Our Creative Diversity
- 24- Pacesetter
- 25- Intergovernmental
- 26- UN Millennium Summit
- 27- United Nations Development Program
- 28- Culture and public action
- 29- Convention on the Protection & Promotion of Cultural Expression
- 30- UNESCO
- 31- Cultured person
- 32- Arts
- 33- Intellectual capital
- 34- Personality
- 35- Community
- 36- Local turn
- 37- Nancy Duxbury
- 38- Integrated Sustainable Community Plans (ISCPs)
- 39- Bellagio
- 40- Manitoba

منابع

- احمدی علی آبادی، کاوه. (۱۳۸۷). هویت ملی امروزین ما در عصر جهانی شدن. نشریه علمی و اجتماعی، (قابل دسترسی در سایت <http://sociologyofiran.com>)
- اسدی، علی. (۱۳۷۶). انسان، فرهنگ، تکنولوژی. ماهنامه نو، شماره ۳۴.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۱). فرهنگ چیست؟ تهران: نشر نی.
- جعفری، علی اصغر. (۱۳۹۵). بررسی و شناخت ابعاد و شاخص‌های فرهنگی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج. ۱، ۱. در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانشپور، سید. عبدالهادی. (۱۳۷۹). بازشناسی مفهومی هویت از فضاها و عمومی شهری (خیابان)، نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب. پایان نامه‌ی دکترای شهرسازی، دانشگاه تهران.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳). نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

-
- صالحی میلانی، ساسان. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل تاثیرگذار بر تغییرات فرهنگی فضاهای شهری ایران*. شهرداری تهران، معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی توسعه شهری، اداره کل برنامه و بودجه.
 - فلامکی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*. تهران: انتشارات فضا.
 - گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). *کندوکاوی در تعریف طراحی شهری*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
 - مظفری، محمدعلی و رزاقی، حسین. (۱۳۸۷). *طرح جامع برنامه‌های فرهنگی شهر تهران*. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات شهرداری تهران، ویرایش دوم.
 - Adams, W.M. (2006). *The Future of Sustainability: Re-thinking Environment and Development in the Twenty-first Century*. The World Conversation Union.
 - Assefa, G. & Frostell, B. (2007). Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy technologies. *Technology in Society*, 29, 63–78.
 - Baeker, G. (2006). *Culture and Sustainability- Quality of Place and Creativity, toward a Sustainable region Symposium*. Authentic City, Creating Urban Wealth.
 - Bruntland Report, (1987). *Our Common Future*, United Nations World Commission on Environment and Development. United Nations: New York.
 - CECC – Cultural Research Salon – SFU (2006). *Culture: The Fourth Pillar of Sustainability*. CECC – Cultural Research Salon – SFU, March 31.
 - Chile, L.M. & Simpson, G. (2004). Spirituality and Community Development: Exploring the link between the individual and the collective. *Community Development Journal*, 39 (4), 315-371
 - Colantonio, A. (2009). *Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice*. Brussels: Sustainable Development - a Challenge for European Research.
 - DOC. (1993). *Human Genome Program*. United state department of energy, Washington.
 - Duxbury, N. & Gillette, E. (2007). *Culture as a Key Dimension of Sustainability: Exploring Concepts, Themes, and Models*. Creative City Network of Canada-Centre of Expertise on Culture and Communities, Canada.
 - Duxbury, N., Simons, D. & Warfield, K. (2006) *Local Policies and Expressions of Cultural Diversity*, Creative City Network of Canada. Canada: Vancouver, British Columbia.
 - Hall, P. (2002). *Urban Future 21, A Global Agenda for Twenty-First Century Cities*. London: Spon Press.
 - Hawkes, J. (2001). *The Fourth Pillar of Sustainability: Culture's Essential Role in Public*. Cultural Development Network (Vic), Australian.
 - Hawkes, J. (2006). *The Fourth Pillar of Sustainability: culture's essential role in public planning*. Cultural Development Network, Common Ground P/L, Melbourne. (Available at: <http://cdn.publisher-site.com/ProductShop>)
 - Housley, A. & Atkins, S. (2007). *Transport and Social Sustainability*. Transport Practitioners Meeting-Manchester.
 - <http://clg-cgl.politics-and-society.ca/?q=node/3>
 - [Http://www.un.org/esa/sustdev/natlinfo/.../02_TRAINING%20MODULE.doc](http://www.un.org/esa/sustdev/natlinfo/.../02_TRAINING%20MODULE.doc): Training Module Information Management for Social Aspects of Sustainability development
 - Koning, J. (2001). *Social Sustainability in a Globalizing World Context, Theory, and Methodology Explored*. The Netherlands: UNESCO/MOST Meeting, The Hague.
 - Lawanga, M. (2001). *Gender, Environment and Sustainable Development*. Presented at the Conference on 'Sustainable Development, Governance and Globalization: An African Forum for Strategic Thinking towards the Earth Summit 2002 and Beyond.
 - Ley, D. & Germain, A. (2000). *Immigration and the Changing Social Geography of Canadian Cities*. Vancouver: Department of Geography, University of British Columbia.
 - Marsio, L. (2006). *Fair Culture-Culture for Sustainable Development*. Cultural Sector and Development Work in the Nordic Countries
 - McKenzie, S. (2004). *Social Sustainability: Towards Somme Definition*. Hawke Research Institute Working Paper Series N. 27, South Australia: University of South Australia Magill.



-
- McLaren, V.W. (1996). Urban Sustainability Reporting. *Journal of American Planning Association*, 62.
 - Nurse, K. (2006). Culture as the Fourth Pillar of sustainable Development. *Commonwealth Secretariat*, 32-48.
 - Rappaport, A. (1980). *Neighbourhood heterogeneity homogeneity*. London: The field of Mon-Environment.
 - Sandercock, L. (2003). *Cosmopolis II: Mongrel Cities in the 21st Century*. London/New York: Continuum.
 - Wieler, C. (2006). *Placing Culture in the Context of Sustainability Indicators*. Creative City Network of Canada-Centre of Expertise on Culture and Communities, Canada.

Investigating the Dimensions of Cultural Sustainability and Compiling Conceptual Framework; A Review of Tehran's Comprehensive Cultural Plan

Reza Farahbakhsh Daghigh¹, Maryam Mohammadi²

Abstract

Recently, the concept of cultural sustainability has been considered as one of the important aspects of sustainable urban development approach. The need to pay attention to the issue of culture in sustainable development, planning and dimensions of local development is emphasized for several reasons, including the necessity of cultural assessment, protection of local culture and realization of cultural diversity. Before, the field of culture was often defined very narrowly and therefore it was placed in an inappropriate relationship with the issue of development. The purpose of this research paper is to examine cultural sustainability as one of the dimensions of the sustainability approach. Therefore, examining its position in the form of sustainability frameworks and its impact on other dimensions of this approach is a suitable way for this analysis. In the following, to make the discussion clearer, the dimensions, measures and characteristics of this dimension of sustainability will be explained, so that the importance and necessity of paying attention to cultural sustainability in planning based on sustainable development will be discussed. The method of the present research to realize the purpose of the research is qualitative and based on content analysis. In the end, the comprehensive cultural plan of Tehran city is examined with a qualitative-inferential approach to examine the dimensions of this approach. Despite the fact that the three dimensions of culture have been considered to the macro documents, most of the emphasis is on values and less attention has been paid to art and cultural heritage. At the same time, in the review of Tehran's comprehensive cultural plan, it showed that less attention has been paid to indicators such as creativity, participation between people and officials, cultural democracy and tourism. This is while it is necessary to pay attention to all aspects of the issue of culture and take advantage of the macro-approach of sustainable development on the formation of a sustainable and distinctive cultural landscape of Tehran.

Keywords: Culture, Cultural Sustainability, Dimension, Tehran's Comprehensive Cultural Plan, Urban Sustainable Development

¹- MA of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Designing Engineering, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author) (Email: farahbakhsh.reza@gmail.com)

²- Associate Professor, Urban Design Department, Architecture & Urban Planning Faculty, University of Art, Tehran, Iran. (Email: m.mohammadi@art.ac.ir)